

وثاقت برقی با تأکید بر مشایخ اورد در کتاب المحاسن

اکبر توحیدلو^۱

چکیده

موضوع این تحقیق بررسی وثاقت برقی و اعتبار روایات او با تأکید بر مشایخ وی در کتاب *المحاسن* است. هدف اصلی این تحقیق تعیین اعتبار اساتید برقی و روایات ایشان و هدف فرعی آن تعیین اعتبار روایات کتب متأخر و متأثر از برقی است. در این تحقیق شخصیت برقی، خانواده، اساتید، شاگردان و دوران حیرت تحقیق و سپس نظرات دانشمندان درباره برقی نقل شده، پس از آن، وثاقت ۲۱۳ استاد برقی در کتاب *المحاسن* با استفاده از کتب رجالی بررسی شده است. نتایج بررسی نشان داد که ۴۹٪ اساتید وی در نقل روایات موثق، ۲۷٪ قوی و ۲۳٪ ضعیف هستند. همچنین ۵۳٪ روایات او صحیح، ۷٪ قوی و ۳۸٪ ضعیف هستند. در این میان، بیشترین حجم روایات او به تعداد ۷۶۵ روایت از پدرش است که از نظر رجالیان، در نقل روایت ضعیف است و بدون در نظر گرفتن روایات پدرش اعتبار روایات او ۷۴٪ صحیح، ۱۱٪ قوی و ۱۴٪ ضعیف است. کلیدواژه‌ها: ابو خالد برقی، وثاقت برقی، دوران حیرت، *المحاسن*، اساتید برقی.

بیان مسئله

مکتب حدیثی قم با اصول و معیارهای ویژه به دریافت و انتشار میراث حدیثی کوفیان پرداخته است. دقت بسیار زیاد اصحاب قمی اهل بیت علیهم السلام در دریافت و انتقال احادیث ایشان، گاه به منازعات و اختلافاتی منجر شده است. برداشت اولیه از برخی گزارش‌ها این گمانه را به ذهن متبادر می‌کند که احاطه قمی‌ها بر روایات و ستیزه ایشان با مفاهیم انحرافی، همچون غلو، جریان‌های تک صدایی در پی داشته که به کنار نهادن بخشی از میراث حدیثی و

۱. عضو هیات علمی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور.

پیشگیری از تألیف آن از طرفی و اهتمام به انعکاس انحصاری روایات مطابق این اندیشه، از دیگر سوشده است.

تأیید اعتبار و وثاقت برقی به تأیید اعتبار بخشی از روایات کتب حدیثی شیعه منجر خواهد شد. در وثاقت و اعتبار برقی هیچ کدام از رجالیان تردید نکرده‌اند، اما در اساتید و روایات نقل شده از او بحث و جدل فراوان است. رجال شناسان معتقدند که برقی از ضعف روایت نقل می‌کرده و به احادیث مرسل اعتماد می‌نموده است.^۲ این گفته علمای رجال، محدثان را واداشته تا در نقل روایت از او دقت بیشتری نمایند؛^۳ هر چند برخی از متخصصان حدیث و علوم قرآنی این مسئله را ایرادی بر محدث نمی‌دانند.^۴ افزون بر آن، این مسئله را در دوره‌ای که برقی در آن می‌زیسته است، امری رایج و معمول می‌دانسته‌اند.

برقی به همراه پدراز جمله سرشاخه‌های انتقال میراث حدیثی اصحاب کوفی به قم به شمار می‌رود. تنوع آثار و حجم گسترده روایاتی که او در اختیار داشته است، وی را به عنوان سرسلسه این جریان در کنار معرفی می‌کند. برقی به عنوان یک حدیث شناس صاحب اندیشه، برخلاف جریان غالب آن روز مکتب قم - که هیچ تعاملی با ضعف را بر نمی‌تابیدند - میزبان پذیرش بخشی از میراث آنها را - که اطمینان به انتسابش به معصوم حاصل می‌شود - به عنوان گفتمانی منطقی و عقلانی رهبری می‌کند. وی و پدرش، اگر چه به روایت از ضعف و اعتماد بر مراسیل متهم شده‌اند، ولی میزبانی و دریافت احادیث ضعیفان و حتی غالیان و پالایش آن را کمکی در جهت تقویت میراث حدیثی شیعه معرفی می‌کنند. ایشان مطابق جریان عمومی از پذیرش و نقل مضامین عقیدتی منحرف جریان‌های ضعیف و غالی سرباز زده‌اند و انعکاسی از آن در میراث حدیثی ایشان دیده نمی‌شود، ولی برای رد بقیه میراث - که خالی از شوب ضعف و غلو است - دلیل موجهی نمی‌بینند. همین مسئله ما را واداشت تا با تحقیق در وثاقت تمام اساتید برقی موضوع را روشن کنیم.

مقدمه (برقی و المحاسن)

نام کامل برقی، احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان علی البرقی الکوفی است.^۵

۲. رک: معرفة علم الرجال، ص ۵۵؛ الفهرست (طوسی)، ص ۳۷؛ خلاصة الاقوال، ج ۱، ص ۱۷؛ کتاب الرجال، ج ۱، ص ۴۰؛ مجمع الرجال، ج ۱، ص ۱۳۸.

۳. همان جا.

۴. الرجال لابن الغضائری، ج ۱، ص ۳۹.

۵. معرفة علم الرجال، ص ۵۵.

تاریخ ولادت برقی مشخص نیست و گزارشی در این مورد وجود ندارد، ولی پژوهش‌گران چند احتمال مطرح کرده‌اند: یکی این که تولد وی بعد از سال ۲۰۰ ق، باشد؛ چنان که ادعا شده است:

با توجه به ندرت یا قلّت روایات بی‌واسطه برقی از ابن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق) و بزنتی (م ۲۲۱ ق) و کثرت روایاتش از ابن فضال و ابن محبوب (هر دو متوفای ۲۲۴ ق) می‌توان ولادت وی را پس از ۲۰۰ ق، دانست.^۶

احتمال دیگر - که به واقعیت نزدیک‌تر است - آن که زمان تولد برقی سال ۱۸۶ ق، است. برای اثبات این نظر چند دلیل وجود دارد: نخست، آن که شیخ طوسی برقی را جزو اصحاب امام رضا علیه السلام معرفی کرده است.^۷ مؤید این مطلب روایتی است که برقی از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که در کتاب الکافی وجود دارد.^۸ شهادت امام رضا علیه السلام نیز سال ۲۰۳ ق، بوده است. حال اگر وفات برقی را سال ۲۸۰ ق، بدانیم، از زمان شهادت امام رضا علیه السلام تا زمان وفات برقی ۷۷ سال می‌شود و اگر فرض کنیم که عمر برقی در زمان شهادت امام رضا علیه السلام شانزده ساله بوده است، برقی در زمان وفات ۹۳ ساله خواهد بود و جزو معمرین است.

همچنین به شهادت تمام رجالیان، احمد بن محمد بن عیسی، رئیس محدثان قم در آن دوره، بعد از برقی وفات کرده است و جزو اصحاب امام رضا علیه السلام بوده است. پس به جرأت می‌توان ادعا کرد که برقی نیز جزو اصحاب امام رضا علیه السلام است.^۹

زمان وفات برقی ۲۷۴ و یا ۲۸۰ نقل شده است که نظردوم از علی بن محمد ماجیلویه، نوه دختری برقی، نقل شده و صحیح‌تر به نظر می‌رسد.^{۱۰}

برقی در «برقه»، یکی از روستاهای شهر قم - که مردم شیعی مذهبی داشته - متولد شده است.^{۱۱} برخی منابع نام اصلی این روستا را برقرود یاد کرده‌اند^{۱۲} که نادرست است و آن را با روستای برقرود در نزدیکی یزد خلط کرده‌اند.^{۱۳}

۶. دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۱۵۸.

۷. رجال الطوسی، ص ۳۸۶.

۸. اصول الکافی، ج ۱، ص ۲۳۴.

۹. المحاسن، مقدمة مصحح، ج ۱، ص ۱۹.

۱۰. معرفة علم الرجال، ص ۵۶.

۱۱. الاعلام، ج ۱، ص ۱۹۵؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۱۸۷؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۷۵.

۱۲. معرفة علم الرجال، ص ۵۵؛ الکنی والالقباب، ج ۲، ص ۷۸.

۱۳. مقیاس الهدایة فی علم الدرایه، ج ۳، ص ۱۱۳.

روستای برقه به واسطه نزدیکی به شهر قم، مردمی شیعی مذهب داشته و بی گمان مانند قم از کهن ترین مراکز شیعی در ایران بوده است. اهمیت این روستا در تاریخ شیعه امامی به واسطه آن است که دوتن از رجال نامدار شیعه به نام های ابو عبدالله محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی برقی و پسرش در این روستا ساکن شدند.^{۱۴}

از دوران کودکی و نوجوانی برقی اطلاعاتی در دست نیست، اما می توان حدس زد که وی آموزش های اولیه را از پدر آموخته است و سپس برای تکمیل دانش خود مسافرت هایی کرده است و محضر اساتید بزرگ را دریافت کرده است.

برقی مشهورترین شخصیت خاندان خویش است؛ اما پدر و نوادگان وی نیز از علم و ادب بهره کافی داشتند. نیاکان برقی ساکن کوفه بوده اند.^{۱۵} علت مهاجرت ایشان آن بود که جد اعلای برقی محمد بن علی از هواداران زید بن علی بن الحسین علیه السلام بوده است. یوسف بن عمرو، والی عراق، وی را دستگیر و زندانی کرد و سرانجام بعد از قتل زید او را به قتل رسانید. به ناچار عبدالرحمان و فرزندش خالد به ایران گریختند و در برقه ساکن شدند.^{۱۶}

برقی نزد دانشمندان بسیاری درس آموخت و از آنان روایت کرد. وی از راویان کوفی چون اسماعیل بن مهران، حسن بن علی و شفاء، عبدالرحمان بن حماد، عثمان بن عیسی، علی بن اسباط، عمر بن عثمان و محمد بن عبدالحمید عطار بسیار روایت کرد که نشان می دهد بیشتر تحصیلات وی در کوفه بوده است. روایت فراوان برقی از محدثان بغدادی، مانند داوود بن قاسم بغدادی و محمد بن عیسی عبیدی و یعقوب بن یزید می رساند که وی همزمان با سفر سامرا به بغداد نیز سفر کرده است. به علاوه، در مشایخ او افرادی از قم، ری، همدان، اصفهان، کاشان، قزوین، واسط، نهاوند، رامشک، بصره، دیلم، جرجان، جبل، جاموران و حران به چشم می خورد که معلوم نیست برقی در چه شهری با آنها دیدار کرده است. او از نزدیک به دویست نفر نقل حدیث کرده و کتاب های بیش از صد نفر را روایت کرده که برخی چون حسین بن سعید خود ده ها کتاب داشته اند.^{۱۷}

وی در سلسله اسناد روایات بسیاری، حدود هشت صد و سی روایت، واقع است و در کتاب های معتبری همچون *الکافی*، *التهذیب*، *الاستبصار*، *کامل الزیارات* و *تفسیر القمی* از او

۱۴. دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۱۸۷.

۱۵. کتاب الرجال، ج ۱، ص ۴۰؛ خلاصة الاقوال، ج ۱، ص ۱۷.

۱۶. الفهرست (طوسی)، ۳۷؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۷۵.

۱۷. دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۱۵۸.

روایت آمده است.^{۱۸}

علمای رجال، برقی را از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام دانسته‌اند.^{۱۹} برقی تنها یک روایت از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که در کتاب *الکافی* ثبت است. البته روایت بی‌واسطه او از دو امام دیگر نیز در اسناد موجود به چشم نمی‌خورد؛ لیکن به نظر می‌رسد علت نقل غیرمستقیم برقی از ائمه علیهم السلام شرایط اختناق آمیز آن دوره بوده است و باید توجه داشت که دیدار اصحاب با ائمه علیهم السلام بسیار مشکل بوده و چه بسا با خطرات جانی همراه بوده است. در روایتی آمده است که وی به عسکر (سامرا) سفر کرده، در آن جا پیکری از جانب «رجل» نزدش آمده و ایوب بن نوح، ابراهیم بن محمد الهمدانی، احمد بن ابی همزه و احمد بن اسحاق را توثیق کرده است. قراین نشان می‌دهد که مراد از رجل، امام هادی علیه السلام است.^{۲۰} با این که وفات برقی بعد از امام حسن عسکری علیه السلام بوده، وی جزو اصحاب این امام شمرده نشده است.

برقی شاگردان بسیاری تربیت کرد. از شاگردان وی می‌توان به ابراهیم بن هاشم قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، محمد بن حسن بن صفار، عبدالله بن جعفر حمیری، سعد بن عبدالله بن یحیی العطار، محمد بن حسن صفار، علی بن حسین سعدآبادی، محمد بن حسن بن ولید، محمد بن عبدالله بن زراه، احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن احمد بن یحیی اشاره کرد.^{۲۱} کلینی توسط «عدة من اصحابنا» از برقی روایت می‌کند.^{۲۲} نجاشی برخی از شاگردان او در زمینه‌های غیردینی را نام برده و می‌نویسد که اسماعیل بن عبدالله نزد او رسوم کتابت آموخته است.^{۲۳} همچنین احمد بن فارس و ابوالفضل العباس بن محمد نحوی، ملقب به عرام - که هر دو اساتید صاحب بن عبّاد بودند - جزو شاگردان برقی بودند و از او علم آموختند.^{۲۴} پدر برقی، ابو عبدالله محمد بن خالد بن عبدالرحمان، از راویان و مؤلفان امامی مذهب قرن دوم و اوایل قرن سوم است و نامش در کتب اربعه حدیثی شیعه، در سلسله روایات بیش از پانصد حدیث آمده است.^{۲۵} گاهی برای تشخیص این دو از یکدیگر پدر را برقی کبیر و

۱۸. همان، ج ۳، ص ۱۸۸.

۱۹. رجال الطوسی، ص ۳۸۶، ۳۹۸، ۴۱۰؛ المحاسن، ج ۱، ص ۵۷ و ۵۹.

۲۰. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۵۵۸؛ الغیبة، ص ۲۵۸.

۲۱. معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۳۲، ۲۲۷، ۲۶۷.

۲۲. خلاصة الاقوال، ج ۱، ص ۲۷۲.

۲۳. معرفة علم الرجال، ص ۶۸۳ و ۹۴۷.

۲۴. الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۷۹.

۲۵. دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۱۶۰.

پسرا برقی صغیر خوانده‌اند.^{۲۶} برقی کبیر علاوه بر اشتغال به حدیث، از تاریخ و دانش‌های عرب آگاه بوده است و کتاب‌هایی در موضوعات تاریخ، کلام، ادبیات و قرآن از جمله: *البلدان، البلدان والمساحة والتبیان* داشته است.^{۲۷} از دیگر شخصیت‌های علمی این خاندان، حسن بن خالد، برادر محمد است که ثقة بود و کتاب‌هایی تألیف کرد.^{۲۸} همچنین، علی بن محمد بندار، نوۀ دختری برقی - که محدثی ثقة و از مشایخ کلینی در *الکافی* بوده است^{۲۹} - و علی بن احمد بن عبدالله بن احمد بن خالد است که از مشایخ صدوق به شمار می‌رود.^{۳۰}

با وجود شهرت، وثاقت و علم بالای برقی، وی هیچ‌گاه به عنوان یکی از بزرگان سیاسی و اجتماعی و یا مرجع و یا رئیس یکی از حوزه‌های شیعی مطرح نبوده است. *دراعیان الشیعه*، ذیل نام برقی به نقل از *منهج المقال* آمده است:

الغالب فیه محمد بن خالد وربما یأتی لولده احمد.^{۳۱}

برقی صاحب تألیفات بسیاری است که برخی از آنها عبارت‌اند از: *الاحتجاج، آداب النفس، الارضین، الافانین، الرجال، الشعرو الشعراء، طبقات الرجال، المساحة المغازی* و...^{۳۲} البته به درستی معلوم نیست که این کتاب‌ها مستقل و یا جزئی از اجزای کتاب *المحاسن* بوده‌اند. به هر روی، غیر از کتاب *رجال او* - که موجود است - مهم‌ترین اثر وی *المحاسن* است که مرجع دانشمندان بوده است و وی بسیاری از کتاب‌های خود را تحت همین عنوان تألیف کرده است.

این کتاب از مهم‌ترین و معتبرترین کتاب‌های شیعه است. راویان، مشایخ حدیث و صاحبان کتب اربعه به آن رجوع کرده و آن را جزو منابع خویش قرار داده‌اند. شیخ کلینی در *الکافی* از *المحاسن* بسیار نقل کرده^{۳۳} و شیخ صدوق آن را جزو منابع معتبر و مورد اعتماد خود دانسته است.^{۳۴} علامه مجلسی در مقدمه *بحار الانوار* آن را جزو منابع معتبر خویش معرفی

۲۶. الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۹۹؛ ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة واللقب، ج ۱، ص ۲۵۱.

۲۷. معرفة علم الرجال، ص ۲۳۵؛ الفهرست، (ابن ندیم)، ص ۲۷۷؛ الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۳، ص ۱۴۵.

۲۸. معرفة علم الرجال، ص ۶۱؛ قاموس الرجال، ج ۳، ص ۱۵۵.

۲۹. معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۲۴۱.

۳۰. همان، ص ۲۵۲.

۳۱. اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۵.

۳۲. ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة واللقب، ج ۱، ص ۲۵۰.

۳۳. اصول الکافی، ج ۱، ص ۲۳۴.

۳۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴.

می‌کند^{۳۵} و تمام روایات آن را با رمز «سن» نقل کرده است.

المحاسن فعلی فاقد مقدمه و خطبه مؤلف است؛ اما ابن ادریس حلی در خاتمه کتاب *السرائر* خطبه آغازین *المحاسن* را نقل کرده است. از مطالعه آن، انگیزه مؤلف چنین استنباط می‌شود که هدف وی انتخاب احادیث صحیح و درست بوده است تا به واسطه آنها یقین مردم را افزایش دهد و به آگاهی‌های دینی و مذهبی ایشان عمق بخشد و ایشان را به سمت رضوان الهی در دنیا و آخرت سوق دهد.^{۳۶}

المحاسن از ابتدا با اختلاف تعداد احادیث در نسخه‌های مختلف مواجه بود. زیاده و نقصان در بخش‌های مختلف این کتاب توسط نجاشی و شیخ طوسی تصریح شده است. علت، آن است که برقی کتاب خود را طی سال‌های متمادی تکمیل کرده است. نجاشی ۹۲ کتاب از کتاب‌های *المحاسن* را به نقل از محمد بن جعفر بن بطه و گروهی دیگر از شیعیان نقل کرده است.^{۳۷} شیخ طوسی در *الفهرست*، عناوین کتاب‌های *المحاسن* را تا رقم ۱۲۳ افزوده است که در *رجال النجاشی* به آنها اشاره نشده بود.^{۳۸} اما از این یکصد و بیست و سه کتاب، تنها یازده کتاب (قسمت) باقی مانده است که عبارت‌اند از: ۱. قرائن، ۲. ثواب الاعمال، ۳. عقاب الاعمال، ۴. الصفوة، ۵. مصابیح الظلم، ۶. العلل، ۷. السفر، ۸. المآكل، ۹. الماء، ۱۰. المنافع، ۱۱. المرافق.^{۳۹} هر کدام از این کتاب‌ها دارای باب‌هایی هستند. مجموع این کتب با ابوابشان دو هزار و هفتصد و پنجاه حدیث با مضامین کلامی، اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، فقهی و موضوعات دیگر را تشکیل می‌دهند.

برقی موفق به تکمیل کتاب خود شد و آن را برای گروهی قرائت کرد. پس از وی، نوه دختری او و چند تن دیگر از شاگردان برقی آن را به صورت کامل برای شاگردانشان قرائت کرده‌اند. نجاشی به این مطلب اشاره دارد، آن‌جا که می‌نویسد:

حسین بن عبیدالله تمام کتاب‌های او را برای ما اخبار کرد. او این احادیث را از احمد بن محمد بن ابوغالب زرای واواز علی بن حسین سعدآبادی ابوالحسن قمی واواز برقی شنیده بود.^{۴۰}

۳۵. بحار الانوار، ج ۱ (مقدمه)، ص ۲۷.

۳۶. السرائر، ج ۳، ص ۶۴.

۳۷. معرفة علم الرجال، ص ۵۵.

۳۸. الفهرست (طوسی)، ص ۳۷.

۳۹. المحاسن، ج ۱، ص ۲۸، مقدمه مصحح.

۴۰. معرفة علم الرجال (نجاشی)، ص ۵۶.

شیخ طوسی در الفهرست اسناد خود تا برقی را ذکر می‌کند.^{۴۱}

پیشینه تحقیق

وثاقت و شرح زندگانی برقی در کتب رجالی از جمله اختیار معرفة الرجال کشی، الرجال عبیدالله غضائری، رجال النجاشی، الرجال والفهرست شیخ طوسی، خلاصة الاقوال علامه حلی، معجم رجال الحدیث علامه خوبی و سایر کتب رجالی آمده است.

جلد سوم دانشنامه جهان اسلام مقاله‌ای با موضوع برقی به قلم حسن طارمی منتشر کرده است که در آن به بررسی اجمالی زندگی، تحصیلات، اساتید، شاگردان، کتاب‌های وی المحاسن والرجال پرداخته است.

جلد سوم دائرة المعارف تشیع نیز طی مقاله‌ای به قلم حسن انوشه، زندگی، تحصیلات، اساتید و شاگردان برقی را بررسی نموده است.

علی رضا بهرامی و سید علی رضا حسینی طی مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی سیره حدیثی محمد بن خالد برقی» شخصیت و سیره برقی (پدر احمد بن محمد بن خالد) را در نقل روایت بررسی نموده‌اند. همچنین نقل از ضعفاء و اعتماد به احادیث مرسل از دیگر موارد بررسی شده در این نوشته است. این مقاله در سال ۹۲ در مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث منتشر شده است.^{۴۲}

در معرفی برقی کتاب مستقلی نگارش نشده است، اما برخی از شارحان در بررسی کتاب المحاسن، مقدمه مفصلی را به برقی - که صاحب کتاب است - اختصاص داده‌اند؛ از جمله می‌توان به این دو کتاب اشاره نمود:

المحاسن، تحقیق و تصحیح سید مهدی رجایی. وی در این کتاب دو جلدی به بررسی زندگی و خانواده برقی به ویژه پدر او، تحصیلات، اساتید، شاگردان، دوران حیرت، نقل حدیث از اهل بیت به طور مستقیم و ماجرای وی با بزرگان تشیع پرداخته است. این بررسی‌ها نیمی از جلد اول کتاب را به خود اختصاص داده است. وی در ادامه جلد اول و تمام جلد دوم احادیث را بررسی و تحقیق و نقل نموده است. این کتاب به زبان عربی در شهر قم، توسط مؤسسه الکلام، در سال ۱۴۱۳ق، منتشر شده است.

المحاسن، ترجمه و تحقیق علی رضا زکی زاده و تصحیح و تنقیح امیر حسین شهبازی که

۴۱. الفهرست (طوسی)، ص ۳۹ و ۴۰.

۴۲. بازخوانی سیره حدیثی محمد بن خالد برقی، ص ۳۹.

در دو جلد تنظیم شده است و جلد اول آن دو فصل دارد: فصل اول، شرح حال مؤلف و فصل دوم، بیان کتاب است و یک خاتمه دارد. جلد دوم، متن احادیث کتاب به همراه ترجمه نقل شده است. این کتاب در سال ۱۳۹۳ ش، توسط انتشارات اعتقاد ما منتشر شده است.^{۴۳}

وثاقت برقی

علمای برجسته رجال از جمله شیخ طوسی، نجاشی، علامه حلی، بحر العلوم و دیگران، برقی را به وثاقت و اعتماد ستوده‌اند^{۴۴} و وی را ادیب و آگاه به اخبار و علوم عربی توصیف کرده‌اند.^{۴۵}

میرزا حسین نوری در *خاتمه مستدرک الوسائل* به نقل از نجاشی و شیخ طوسی او را توثیق کرده، سپس گفته است که در مجموع، برقی از رویان عالی مقام تشیع است و کتاب بزرگی به نام *المحاسن* را نقل کرده است.^{۴۶}

آنچه معرکه آرای رجالیان است، دوره‌ای است که از آن به دوران حیرت نام برده‌اند. بحث آن است که کلینی در باب نص بر امامت ائمه علیهم‌السلام نقل کرده که خضر علیه‌السلام محضر امیرالمؤمنین علیه‌السلام رسیده و به امامت ائمه معصوم علیهم‌السلام، یکی پس از دیگری شهادت داده است. در این روایت آمده است که محمد بن یحیی می‌گوید به محمد بن حسن صفار گفتم که ای ابا جعفر دوست داشتم این خبر از راوی دیگری غیر از احمد بن ابی عبدالله [برقی] برایم نقل می‌شد، او می‌گوید که وی در پاسخ گفت من این حدیث را ده سال قبل از حیرت از برقی شنیده‌ام.^{۴۷} درباره حیرت نظراتی وجود دارد که به آنها اشاره می‌شود: ۱. انحراف برقی از مذهب تشیع و گرایش او به عقاید فرق دیگر، ۲. سرگستگی برقی پس از اخراج وی از قم، ۳. حیرت مردم در مورد برقی پس از اخراج وی از قم، ۴. حیرت برقی به علت نقل احادیث مرسل و نقل از ضعفا که موجب طعن اساتید قم بروی شد،^{۴۸} ۵. حیرت مردم در غیبت امام زمان علیه‌السلام و وجود شک و تفرقه بین مردم.

۴۳. *المحاسن*، مقدمه.

۴۴. *معرفه علم الرجال*، ص ۵۵؛ *الفهرست (طوسی)*، ص ۳۷؛ *خلاصة الاقوال*، ج ۱، ص ۱۷؛ *کتاب الرجال*، ج ۱، ص ۴۰؛

مجمع الرجال، ج ۱، ص ۱۳۸.

۴۵. *الکنی واللقاب*، ج ۲، ص ۷۹.

۴۶. *مستدرک الوسائل*، ج ۳، ص ۵۵۲ و ۵۵۳.

۴۷. *اصول الکافی*، ج ۲، ص ۴۷۰؛ *عیون اخبار الرضا*، ج ۱، ص ۱۲۶.

۴۸. *المحاسن*، (مقدمه)، ج ۱، ص ۱۹.

اقوال فوق اشکالاتی دارد. نقض قول اول در متن روایت است. این روایت تصریح به امامت ائمه علیهم السلام است و اگر برقی از مذهب تشیع منحرف بود؛ چرا چنین روایتی نقل کرده است. انحراف برقی از مذهب تشیع نیز در هیچ منبعی ذکر نشده است. رد قول، آن است که سرگشتگی برقی و اخراج او از قم، ناقض عدالت وی نیست تا راویان از نقل روایت او اجتناب کنند. نظر سوم صحیح نیست، چون حیرت مردم از برقی ناقض عدالت او نخواهد بود. نظر چهارم صحیح نیست، چون تمام اساتید برقی ضعیف و تمام احادیث وی مرسل نبوده‌اند، بلکه بخشی از اقوال و اساتید وی این وصف را داشته‌اند؛ اما چنان که آیه الله خویی تصریح کرده است، بهترین نظر، نظر پنجم است. وی در این باره می‌نویسد:

محمد بن یحیی احتمال می‌داده است که روایت احمد بن ابی عبدالله بعد از حیرت مردم در امامت [امام دوازدهم علیه السلام] بوده است؛ زیرا گروهی معتقد بودند که امام حسن عسکری علیه السلام فرزند ندارد، اما شیعیان معتقد به وجود امام زمان علیه السلام بوده و می‌دانستند که وی امام بعد از امام عسکری علیه السلام است. به همین علت، محمد بن یحیی دوست داشت راوی این روایت فرد دیگری باشد؛ راوی‌ای که قبل از دوران حیرت آن را نقل کرده باشد تا حدیث جزو اخبار غیبی باشد که قبل از غیبت امام زمان علیه السلام نقل شده است. محمد بن حسن نیز پاسخ داده که این روایت را ده سال قبل از حیرت از احمد بن ابی عبدالله نقل کرده است؛ یعنی پنج سال قبل از تولد امام زمان علیه السلام، به همین علت این روایت به هیچ عنوان، دلالتی بر ذم و تقبیح احمد بن ابی عبدالله ندارد.^{۴۹}

وثاقت برقی مورد اتفاق رجالیان است،^{۵۰} اما همان علمای رجال معتقدند وی از ضعف روایت نقل و به احادیث مرسل اعتماد می‌کرده است؛ چنان که شیخ طوسی در *الفهرست* چنین می‌نویسد:

[برقی] فی نفسه موثق است، اما از ضعف روایت نقل می‌کرد و بر احادیث مرسل اعتماد می‌کرد.^{۵۱}

روایت وی از ضعف و اعتمادش بر احادیث مرسل موجب شد که علمای معاصرش در قم بر وی خرده گیرند. احمد بن محمد بن عیسی، رئیس قمیان، به علت نامعلومی وی را از قم

۴۹. معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۶۷ - ۲۷۲.

۵۰. معرفة علم الرجال (نجاشی)، ص ۵۵؛ رجال الطوسی، ۳۸۶؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۸؛ مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، ص ۱۱.

۵۱. الفهرست (طوسی)، ص ۳۷.

تبعید کرد،^{۵۲} ولی پس از مدتی او را به قم بازگردانید و از وی پوزش خواست و حتی در تشییع جنازه برقی پا برهنه و بدون عمامه حاضر شد تا رفتار پیشین را جبران کند.^{۵۳} ابن غضائری نقل از ضعفا و اعتماد به احادیث مرسل را بروی عیب نمی‌شمارد، بلکه معتقد است که اشکال به کسانی برمی‌گردد که وی از آنها روایت نقل می‌کرده است. وی معتقد است برقی به سبک و شیوه اخباریان، توجهی نداشته است که از چه شخصی روایت نقل می‌کند.^{۵۴} علامه حلی نیز در *الخلاصه*، پس از نقل مطالب فوق می‌گوید که روایات برقی نزد من مقبول است؛^{۵۵} اما ابن داوود حلی در *رجال* خود، پس از نقل سخن ابن غضائری، معتقد است که اتفاقاً ایراد متوجه برقی است، نه کسانی که وی از آنها روایت نقل می‌کرده؛ زیرا برای برقی تفاوت نداشت که از چه کسی حدیث شنیده است. وی همین بی‌توجهی برقی به ضعف روایات و اعتبار اساتید را علت اخراج برقی از قم توسط احمد بن محمد بن عیسی می‌داند.^{۵۶}

سید مهدی بحر العلوم در *الفوائد الرجالیة* درباره وثاقت برقی می‌نویسد:

هر دو شیخ در وثاقت برقی اتفاق نظر دارند و هر دو آورده‌اند که وی از ضعفا حدیث نقل می‌کرد و بر احادیث مرسل اعتماد می‌کرده است.

وی سپس می‌نویسد:

حق آن است که نقل از ضعفا موجب تضعیف راوی نیست و حتی روایت را نیز تضعیف نخواهد کرد؛ البته در صورتی که راوی ثقه باشد. اعتماد به احادیث مرسل نیز همین طور است؛ زیرا مسئله‌ای اجتهادی است و اختلاف در مورد آن مشهور است و بسیار اتفاق افتاده که راویان بلند مرتبه از ضعفا بسیار روایت نقل کرده‌اند و به احادیث مرسل اعتماد نموده‌اند. حال اگر احتمال دهیم حذف واسطه‌ها به علت بی‌مبالاتی و کم‌دقتی برقی باشد، این با توثیقی که شیخین از وی کرده‌اند، منافات دارد؛ زیرا اگر علت نقل احادیث مرسل بی‌مبالاتی و کم‌دقتی باشد، موجب تدلیس است و تدلیس با عدالت

۵۲. از مطالعه برخی از گزارش‌ها معلوم می‌شود که در آن تاریخ برخی از راویان - که به انحراف غلو معروف و یا متهم می‌شدند - از قم اخراج و به ری که در آن دوره سنی نشین بوده، تبعید می‌شدند (*الرجال لابن الغضائری*، ج ۱، ص ۳۹).

۵۳. *الرجال لابن الغضائری*، ج ۱، ص ۳۹؛ کتاب *الرجال*، ج ۱، ص ۴۰؛ خلاصه الاقوال، ج ۱، ص ۱۷.

۵۴. *الرجال لابن الغضائری*، ج ۱، ص ۳۹.

۵۵. خلاصه الاقوال، ج ۱، ص ۱۷.

۵۶. کتاب *الرجال*، ج ۱، ص ۴۲۱.

منافات دارد.^{۵۷}

مامقانی در *تنفیح المقال*، پس آن که به نقل از گروهی از بزرگان علم رجال وثاقت برقی را نقل می‌کند و نظر خود درباره اعتماد به احادیث مرسل و نقل از ضعف را چنین بیان می‌کند که:

روایت کردن وی از ضعف و اعتماد به احادیث مرسل ایرادی بر برقی نیست، زیرا گروهی از محدثان و مجتهدان چنین روشی داشته‌اند؛ اگرچه چنین شیوه‌ای مشهور علما نیست، اما اگر شخصی این شیوه را داشت، نمی‌توان بروی خرده گرفت؛ همچنان که در سایر مسائل اختلافی همین‌گونه است... و منظور نجاشی از «یروی عن الضعفاء» تضعیف برقی نیست، وگرنه او را توثیق نمی‌کرد، بلکه هدف نجاشی از بیان این مطلب آگاهی دادن به روش برقی در روایت است، تا این که در منقولات و مرسلات وی دقت بیشتری صورت گیرد.^{۵۸}

استاد بهبودی پس از نقد و بررسی نظرات درباره برقی، می‌نویسد:

هنگامی که درباره یک راوی جرح و تعدیل به این شکل می‌آید، نباید راوی را نسبت به اصحاب اصول و نوشته‌ها دروغ‌گو و مدلس بینداریم [...] اما زمانی که روایات او را می‌بینیم و می‌یابیم که بدون دقت از غالیان و زنادقه حدیث نقل می‌کند، چگونه می‌توانیم به او اعتماد کنیم و اطمینان داشته باشیم آنچه را که از ثقات نقل کرده و از کتب ایشان گرفته نیز درست است و از دست برد غلات و دسیسه‌های آنان در امان بوده است. من بعد از تحقیق در روایات برقی دیدم او از نسخه‌های ساختگی - که به نام افراد موثق جعل شده بود - روایت نقل کرده است... از نظر من هنگامی که راوی از ضعف زیاد روایت می‌کند و از نسخه‌هایی که وجاده‌ای، مرسل و غیر مناوله‌ای و بدون سماع به دست آورده، روایت می‌کند و در درستی و صحت نسخه‌ها دقت نمی‌کند و نسبت آنها به نویسنده را احراز نمی‌کند، حدیثش مردود است، مگر این که حدیث او با سماع یا مناوله صحیح باشد و احادیثش را با دقت نقل کند.^{۵۹}

اختلاف فوق ما را بر آن داشت که به بخش‌های بازمانده از کتاب *المحاسن* مراجعه کرده و

۵۷. الفوائد الرجالیة، ج ۱، ص ۳۳۸.

۵۸. مقباس الهدایة فی علم الدراية، ج ۱، ص ۱۸۳ - ۱۸۴.

۵۹. معرفة الحديث، ص ۱۰۸ - ۱۱۰.

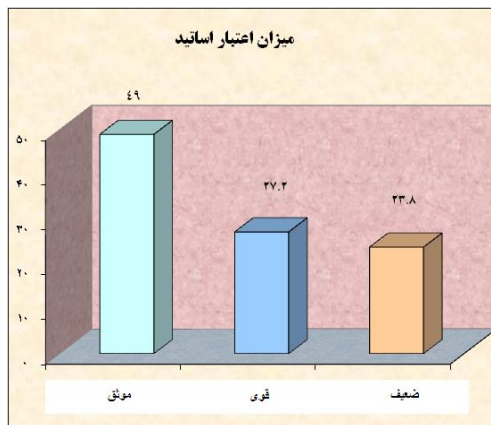
مشایخ برخی از این بخش‌ها را استخراج کرده و در باره وثاقت آنها به تحقیق نشینیم. طبق این بررسی در قسمت‌های برجای مانده از *المحاسن برقی* در مجموع از ۲۳۹ تن به نقل حدیث پرداخته که از جهت وثاقت اوضاع متفاوتی دارند. در این بررسی اساتید ثقه با کد موثق، اساتید ضعیف با کد ضعیف و اساتیدی که در کتب رجالی جرح و تعدیلی از آنها ذکر نشده و یا در مورد همه یا برخی از آنها مدح یا ذمی نرسیده بود، طبق روال برخی از علما و دانشمندان علوم حدیث همچون شهید اول، شهید ثانی، سید حسن صدر و مدیر شانه‌چی، با کد قوی مشخص شدند. همچنین حدیث قوی حدیثی است که در کتب رجالی درباره یکی یا چند تن از راویان آن مدح و ذم و یا جرح و تعدیلی ذکر نشده باشد. سپس با استفاده از نرم افزار spss در قالب جداول و نمودارهای زیر نشان داده شد.

- جدول اعتبار اساتید برقی در المحاسن

(جدول ۱: توزیع فراوانی اعتبار اساتید)

ردیف	اعتبار اساتید	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	موثق	۱۱۷	۴۹	۴۹
۲	قوی	۶۵	۲۷/۲	۷۶/۲
۳	ضعیف	۵۷	۲۳/۸	۱۰۰
	جمع کل	۲۳۹	۱۰۰	

(نمودار ۱: توزیع فراوانی اعتبار اساتید)



۶۰. رک: مقباس الهدایه، ج ۱، ص ۱۶۷؛ ذکر الشیعة فی احکام الشریعه، ج ۱، ص ۴۸؛ الرعایة فی علم الدرایه، ص ۸۵؛ نهایة الدرایه، ص ۲۶۳؛ علم الحدیث و درایة الحدیث، ص ۳۹.

۴۹٪ از اساتید برقی در نقل روایت موثق ۲/۲۷٪ درصد قوی ۸/۲۳٪ ضعیف هستند.

بررسی اساتید برقی در المحاسن

بررسی مشایخ برقی در المحاسن حاکی از آن است که تمامی مشایخ حدیثی برقی که بیش از پنج روایت از ایشان نقل شده، در مجموع بیش از ۸۰٪ روایات المحاسن را نقل نموده‌اند. ۴۹٪ از مشایخ برقی در روایات المحاسن توسط رجال شناسان موثق و ۲/۲۷٪ قوی شناخته شده‌اند. ۸/۲۳٪ نیز جزو مشایخ تضعیف شده‌اند. مهم‌ترین شیخ برقی را باید پدروی محمد بن خالد دانست که ۲۶٪ از روایات المحاسن از او است.

برقی در کتاب المحاسن ۲۷۰۹ روایت را از ۲۳۹ نفر از اساتیدش نقل نموده است که ۷۶۵ روایت به واسطه پدرش است که وی در نقل روایت ثقه است. وثاقت ۲۴ تن از رجال برقی - که به ترتیب بیشترین تعداد روایت برقی از آنها است - عبارت‌اند از:

ردیف	نام	وثاقت	ردیف	نام	وثاقت
۱	محمد بن خالد	ثقه	۱۳	نوح بن شعیب النیشابوری	مختلف فیه
۲	عثمان بن عیسی الکلابی	مختلف فیه	۱۴	حسن بن علی الوشاء	ثقه
۳	محمد بن علی ابوسمینه	ضعیف	۱۵	عمرو بن عثمان الخزار	ثقه
۴	حسن بن محبوب السراد	ثقه	۱۶	عده من اصحابنا	ثقه
۵	حسن بن علی بن فضال	ثقه	۱۷	عبد الرحمان بن ابی نجران	ثقه
۶	علی بن الحکم الانباری	ثقه	۱۸	بکر بن صالح	ضعیف
۷	اسماعیل بن مهران بن محمد بن ابی نصر	ثقه	۱۹	شریف بن سابق التفلیسی	مختلف فیه
۸	احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی	ثقه	۲۰	محمد بن عبدالله الجامورانی	مختلف فیه
۹	محمد بن عیسی بن عبید	ثقه	۲۱	یحیی بن ابراهیم بن ابی البلاد	ثقه
۱۰	یعقوب بن یزید الانباری	ثقه	۲۲	موسی بن القاسم البجلی	ثقه
۱۱	محمد بن اسماعیل بن بزیع	ثقه	۲۳	عبدالله بن محمد الحجال	ثقه
۱۲	القاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد	مختلف فیه	۲۴	عبد الرحمان بن حماد	ضعیف

بنا بر این آمار باید گفت که نقل فراوان برقی از ضعفا، لااقل در بخش‌های برجای مانده در المحاسن رخ نداده است. در همه مواردی که وی ارسال حدیث کرده، از الفاظی همچون: «عمن حدثه» و «عمن ذکره» و «رفعه» استفاده کرده است و این نمی‌تواند مصداق تدلیس

باشد. جمع بندی مباحث نشان می دهد که دو اتهام عمده بر اساتید برقی، انعکاس فراگیری در منابع ندارد؛ گرچه همین اتهامات، به ویژه نقل از ضعفا جایگاه او را نزد هم تراننش، البته به لحاظ اساتید وی، تضعیف کرده است.

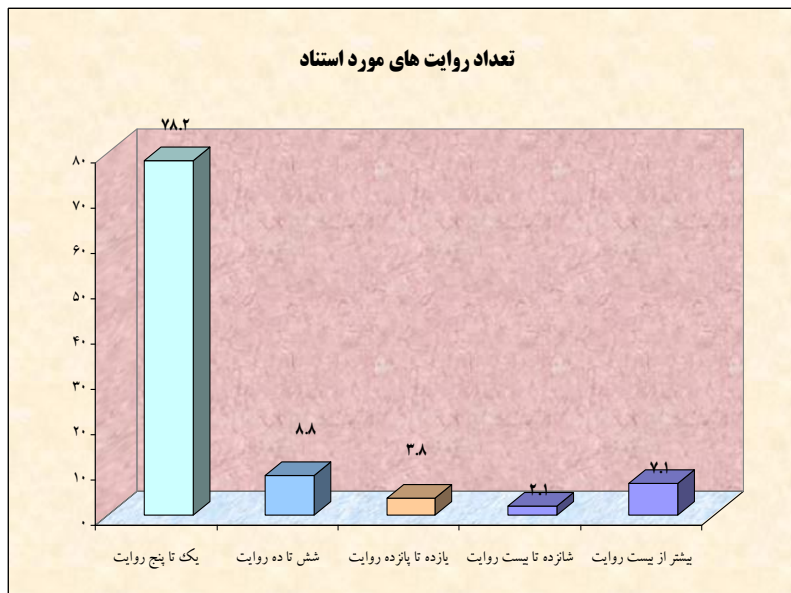
برقی از دو حیث مورد توجه علما و دانشمندان بوده است: یکی به جهت اعتماد بر طریقی که میراث راویان را منتقل کرده است و دیگری به جهت اخذ روایات و گنجاندن آن در مصادر اولیه و اصلی حدیث. از این رو، در مصادر مهم روایی شیعه حضور برقی به عنوان اندیشمندی کلامی فقهی و اخلاقی قلمداد می شود.

- روایات کتاب المحاسن

(جدول ۲: توزیع فراوانی اعتبار روایات بر اساس روایات نقل شده از هر استاد)

ردیف	تعداد روایات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	یک تا پنج روایت	187	78.2	78.2
۲	شش تا ده روایت	21	8.8	87.0
۳	یازده تا پانزده روایت	۹	۳/۸	۹۰/۸
۴	شانزده تا بیست روایت	۵	۲/۱	۹۲/۹
۵	بیشتر از بیست روایت	۱۷	۷/۱	۱۰۰
	جمع کل	۲۳۹	۱۰۰	

(نمودار ۲: توزیع فراوانی اعتبار روایات)



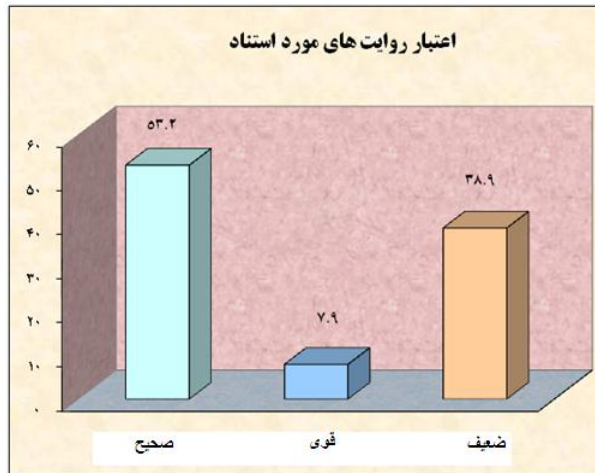
برقی از ۷۸/۲٪ اساتید خود بین یک تا پنج روایت، از ۸/۸٪ اساتید بین شش تا ده، از ۳/۸٪ اساتید بین یازده تا پانزده روایت و از ۲/۱٪ اساتید بین شانزده تا بیست روایت، از ۷/۱٪ اساتید بیشتر از بیست روایت نقل کرده است.

روایات/المحاسن و سایر کتب حدیثی نشان از گستره حضور برقی در عقاید، فقه و اخلاق دارد، اما چهره غالب او را می‌توان اخلاقی دانست. غیر از کتاب/المحاسن اوج حضور برقی در میراث حدیثی شیعه در منابع مکتب قم و به ویژه آثار صدوق است. حجم گسترده روایات او نه تنها از محمد بن خالد برقی، بلکه خاندان او قابل توجه و اعتنا است تا جایی که یکی از طرق قابل اعتنای ایشان به واسطه علی بن احمد بن عبدالله بن احمد بن ابی عبدالله برقی است که چهار نسل از این خاندان را در بر می‌گیرد.

- اعتبار روایات برقی

(جدول ۳: توزیع فراوانی اعتبار روایات)

ردیف	اعتبار روایات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	صحیح	۱۴۳۹	۵۳/۲	۵۳/۲
۲	قوی	۲۱۵	۷/۹	۶۱/۱
۳	ضعیف	۱۰۵۱	۳۸/۹	۱۰۰
	جمع کل	۲۷۰۵	۱۰۰	



(نمودار ۳: توزیع فراوانی اعتبار روایات)

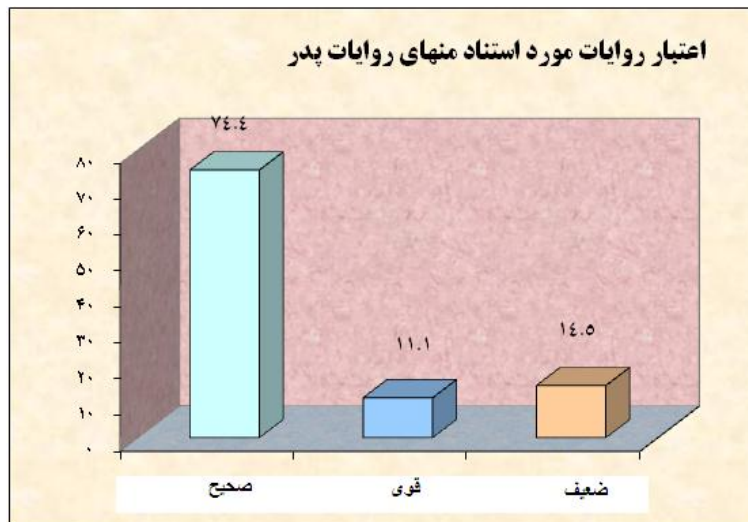
۵۳/۲٪ روایات برقی صحیح، ۷/۹٪ قوی و ۳۸/۹٪ روایات وی ضعیف هستند.

- اعتبار روایات منهای روایات پدر

پدر برقی در نقل روایت ضعیف است و در سند ۷۶۵ روایت برقی قرار دارد. بدون در نظر گرفتن روایاتی که او در سند آنها قرار دارد، جدول زیر حاصل می شود.
(جدول ۴: توزیع فراوانی اعتبار روایات منهای روایات مستند به پدر ابو خالد برقی)

ردیف	اعتبار روایات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	صحیح	1439	74.4	74.4
۲	قوی	215	11.1	85.5
۳	ضعیف	281	14.5	100.0
	جمع کل	1935	۱۰۰	

(نمودار ۴: توزیع فراوانی اعتبار روایات منهای روایات مستند به پدر ابو خالد برقی)



۷۴/۴٪ از روایات برقی صحیح، ۱۱/۱٪ قوی و ۱۴/۵٪ ضعیف خواهند بود.
روایات برقی حاکی از آن است که شیوه و خط مشی او با نگاهی توسعه‌ای به میراث حدیثی راویان، بر یافتن قراین مورد اعتماد استوار گشته و به همین جهت نقل میراث مورد اعتماد متهمان به غلور خردی نمی بیند و حضوری گسترده در انتقال میراث صاحبان آثار شیعی دارد.

با وجود اختلاف موجود میان برقی و اشعری حضور احمد اشعری در انتقال همه میراث محمد برقی و پرهیز از تعصبات، نشان از این نکته دارد که حجم عظیمی از میراث راویان شیعه و محدثان کوفه در اختیار او بوده است. توجه به المحاسن برقی نشان می دهد او در

حوزه‌های متنوع فعالیت علمی داشته است که می‌توان به برخی از آنها اشاره نمود: از جمله: مباحث اخلاقی، علوم قرآن و تفسیر، مباحث تاریخی و مباحث.

نتیجه

نتیجه‌ای که با تأمل در جداول فوق و بررسی سخنان بزرگان به دست می‌آید، آن است که علاوه بر این که در وثاقت شخص برقی شکی نیست، بلکه در غالب روایات و اساتید او نیز نمی‌توان تردید کرد؛ زیرا بیش از نیمی از اساتید و روایات او موثق و صحیح هستند و اگر روایاتی را که در سند آنها برخی از راویان امامی مذهبی وجود دارد که در کتب رجالی مدح و ذم و یا توثیق و تضعیفی در مورد ایشان وارد نشده است و در تعاریف بزرگانی همچون شهید اول و شهید ثانی حدیث قوی اطلاق می‌شود و از نظر صحت بالاتر از موثق و پایین تر از حسن هستند،^{۶۱} در زمره احادیث قابل قبول قرار دهیم، اساتید و روایات برقی از صحت و اعتبار بالایی برخوردار خواهند شد. همچنین این غضایری که سخنان او مبنای گفتار دیگران درباره برقی است و درباره برقی گفته است که از ضعف حدیث نقل می‌کرد و به احادیث مرسل اعتماد می‌کرد، نقل از ضعف را برای راوی اشکال نمی‌داند. هدف نجاشی و شیخ طوسی از بیان این سخن، تضعیف برقی نبوده، بلکه قصد داشته روش برقی را - که همان سبک و سیاق راویان قم در نقل روایت است - بیان کنند؛ زیرا اعتماد به احادیث مرسل امری اجتهادی است. احادیث صحیح او بی‌شک محل رجوع و مورد اعتماد است، اما در مورد احادیث مرسل و ضعیف او باید دقت بیشتری کرد.

طعن احمد بن محمد بن عیسی بر برقی و اخراجش از قم نیز با پیشیمانی احمد و عذرخواهی از برقی و بازگردانیدن او به قم رفع می‌شود. البته علت اخراج برقی روشن نیست، اما اگر علت آن نقل روایات مرسل و نقل از ضعف باشد طبعاً پیشیمانی احمد و بازگردانیدن برقی به قم اعتبار و وثاقت برقی را دوچندان خواهد کرد.

علت دیگر وثاقت برقی اعتماد محدثان بلند مرتبه و عالی مقام شیعه، همچون کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید و سایر محدثین به او است. برقی در سند هشتصد و سی روایت قرار دارد که این نشان از اعتماد بزرگان شیعه به برقی است.

همچنین انتشار احادیث برقی در آثار متعدد مکتب قم و ابواب مختلف، حکایت از جایگاه خاص او در استحکام این مکتب دارد. برقی توانسته است فصل جدیدی در نگاه

۶۱. رک: ذکری الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱، ص ۴۸؛ الرعاية، ص ۸۵.

مکتب قم به روایات بازکنند. او با نگاه نقادانه، اما همراه با انصاف احادیث ضعف را دریافت و پالایش نموده است. این در حالی است که اندیشه تحریم و حذف هر متهم به ضعف و غلو روش بزرگان و سردمداران قم به شمار می‌رود. رویکرد اصلی و غالب او، مانند سایر بزرگان حدیث، بر اعتماد و نقل میراث ثقات استوار شده است.

کتابنامه

- *اختیار معرفة الرجال*، محمد بن عمر کشی، تلخیص: محمد بن حسن طوسی، مشهد: چاپ حسن مصطفوی، ۱۳۴۸ ش.
- *اصول الکافی*، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
- *الاعلام*، خیرالدین زرکلی، بیروت، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۹ ق / ۱۹۶۹ م.
- *اعیان الشیعه*، سید محسن امین، حَقَّقَهُ وَاخْرَجَهُ: سید حسن الامین، بیروت: دارالتعاريف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
- *بحار الانوار*، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
- *تنقیح المقال فی علم الرجال*، عبدالله مامقانی، نجف: المطبعة المرتضوی، ۱۳۵۲ ق.
- *خلاصة الاقوال فی علم الرجال*، حسن بن یوسف حلی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ ش.
- *خلاصة الاقوال*، حسن بن یوسف حلی، نجف، ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۱ م.
- *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، آقا بزرگ محمد محسن تهرانی، تهران: کتابخانه اسلامی، ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م.
- *ذکری الشیعة فی احکام الشریعه*، شهید اول، ابو عبد الله محمد بن مکی عاملی (م ۷۸۶ ق)، قم: منشورات مکتبه بصیرتی، بی تا.
- *رجال الطوسی*، محمد بن حسن طوسی، نجف اشرف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ ق / ۱۹۶۱ م.
- *الرجال لابن الغضائری*، احمد بن حسین غضایری، تحقیق: سید محمد رضا جلالی حسینی، قم: دارالحدیث، بی تا.
- *الرجال*، احمد بن محمد برقی، تهران: چاپ محدث ارموی، ۱۳۴۲ ق.
- *الرعاية فی علم الدراییه*، شهید ثانی زین الدین بن علی عاملی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۸ ق.

- ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة واللقب، محمد علی مدرس تبریزی، تبریز: چاپخانه شفق، چاپ سوم، ۱۳۴۶ ش.
- السرائر، محمد بن ادريس حلی، تهران: ۱۲۷۰ ق.
- علم الحدیث ودرایة الحدیث، مدیرشانه چی، کاظم، قم: دفترانتشارات اسلامی، بی تا.
- عیون اخبارالرضا، محمد بن علی بن بابویه صدوق، ترجمه: علی اکبر غفاری وحمید رضا مستفید، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۳ ش.
- الغیبة، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تهران، ۱۳۹۸ ق.
- الفهرست، ابن ندیم، محمد بن اسحاق، تهران: چاپ رضا تجدد، ۱۳۷۳ ق / ۱۹۷۳ م.
- الفهرست، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، به کوشش: محمود رامیار، مشهد: دانشگاه مشهد (دانشکده الهیات)، ۱۳۵۱ ش.
- الفوائد الرجالیة، وحید بهبهانی، سید محمد صادق بحر العلوم، نجف: مطبعة الاداب، ۱۳۸۸ ق.
- قاموس الرجال، محمد تقی تستری، تهران، ۱۳۷۹ ش / ۱۳۹۱ ق.
- کتاب الرجال، ابن داوود حلی، نجف: چاپ محمد صادق آل بحر العلوم، ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م.
- کتاب من لا یحضره الفقیه، صدوق محمد بن علی بن بابویه، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
- الکنی واللقاب، قمی، عباس، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۹ ق / ۱۹۷۰ م.
- مجمع الرجال، عناية الله قهپانی، اصفهان: چاپ ضیاءالدين علامه اصفهانی، ۱۳۸۴ ق.
- المحاسن، ابی جعفر احمد بن محمد بن خالد البرقی، مقدمه و تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه الکلام، ۱۴۱۳ ق.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقی، ترجمه و تحقیق علیرضا زکی زاده رنانی و تصحیح وتنقیح امیرحسین شهبازی، اتشارات اعتقاد ما، ۱۳۹۳.
- مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، تهران: مکتبة الاسلامیه، ۱۳۸۲ ق.
- مشرق الشمسین واکسیرالسعدتین، بهاءالدين محمد عاملی (شیخ بهایی)، تحقیق: مهدی رجایی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
- معجم البلدان، شهابالدين ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله حموی، تهران: انتشارات اسدی، ۱۹۶۵ م.

- معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خویی، بیروت، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- معرفة الحديث، محمد باقر بهبودی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ش.
- معرفة علم الرجال، ابوالعباس بن علی بن العباس نجاشی، بمبئی، ۱۳۱۷ق.
- مقباس الهدایة فی علم الدرایه، عبدالله مامقانی، نجف اشرف، ۱۳۴۵ق.
- نهائیه الدرایه، سید حسن صدر، هند (لکنهو)، ۱۳۲۴ق.
- «بازخوانی سیره حدیثی محمد بن خالد برقی»، سید علی رضا حسینی، علی رضا بهرامی، مجله پژوهش های قرآن و حدیث، سال ۴۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش.
- «برقی»، حسن انوشه، دائرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، بهاء الدین خرمشاهی و کامران فانی، تهران: مؤسسه دایرة المعارف تشیع، ۱۳۷۱ش.
- «برقی»، حسن طارمی، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش.
- «برقی»، محمد جواد شبیری، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش.